

خطر سناریو عراقیزه کردن جامعه ایران جدی است



ایرج فرزاد

مشخصه جمهوری اسلامی با تلاش سیاستمداران رژیم که میخواهند از طریق "حزب سیاسی" منشا اثر باشند، در تناقض است. با این حال گرچه چنین اظهاراتی ممکن است قند در دل لایه های وسیع اپوزیسیون طرفدار رژیم آب کند و آنان را امیدوار کند که "میهن اسلامی" دارد توسط معماران بزرگترین جنایات علیه مردم ایران به سوی دموکراسی میروند، اما بحران عمیق سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی در متن نفرت عمیق مردم ایران از رژیم اسلامی قابل رفع و رجوع نیست. و همین فاکتور یعنی هوشیاری و دخالت مردم ایران در سرنوشت جامعه ایران است که سناریو جانشینی رژیم اسلامی طیفهای امتحان پس داده راست و لایه هائی از اپوزیسیون طرفدار رژیم را به امید دخالت آمریکا و دمکرات کردن رژیم اسلام از طریق طرح کذائی فرماندوم سوق داده است. مساله به این روشنی و واضخی است و کسی و نیروی که اوضاع عراق و نتیجه تغییر رژیم را در عراق میبیند و در برابر خطر جدی عراقیزه کردن

گاردین: محافظه کاران پنتاگون مصرانه معتقدند که تنها تهدید - و در صورت لزوم به کارگیری - حملات نظامی هوایی و نیروهای ویژه علیه تأسیسات هسته ای ایران می تواند روحانیون حاکم ایران را از تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته ای باز دارد.

مایکل لیدین: تغییر حکومت در ایران به ملت این کشور و سیاستهای دولتهای غربی بستگی دارد

وزیر دفاع سابق آمریکا: اینکه آمریکا برنامه های احتمالی برای حمله به ایران داشته باشد، غیر معمول نیست

این اظهارات و مواضع روزنامه ها و مقامات رسمی غرب را در کنار تلاشهای نیروها و شخصیتهای مدافع "فراندم قانون اساسی" بگذارید، بسیار ساده است که تشخیص داد، این حرکت چرا در این اوضاع معین چشم امید به سناریو عراقیزه کردن ایران بسته است. مساله نه "تمرین دموکراسی" است و نه کوشش ساده اندیشانه برای باز کردن باب دیالوگ و راه مسالمت آمیز تغییر رژیم اسلامی.

"آیت الله" رفسنجانی هم در مصاحبه با نشریه آفتاب گفته است که فشار برای دموکراتیزه کردن اسلام سیاسی را خود سران رژیم دارند عملی میکنند و جمهوری اسلامی دارد اقتصاد را هم راه اندازی میکند و حتی فرموده است که باید با پرس و جو از "مقام رهبری"، فکری برای ولایت فقیه کرد چون این فاکتور

مصاحبه با فاتح شیخ در رابطه با فراندوم و مساله استقلال کردستان عراق



واقعیت تاریخی، وجود مساله کرد بعنوان يك مساله ملی حل نشده در عراق است که چندین دهه، گذشته خونین پشت سر دارد. اوضاع سیاسی مشخص هم، که بالاخص حاصل سیر تاکتونی تاریخ جامعه در چهارده سال اخیر است، با جنگ آمریکا و اشغال عراق وارد فاز کاملاً ←

مساله داغی شده است. احزاب و جریانهای سیاسی مختلف (چپ و راست) با دیدگاهها و اهداف مختلف در این مساله دخیلند و برای به سرانجام رساندن یا به بیراهه کشاندنش تلاش می کنند. اما خارج از آنچه احزاب بخواهند، این يك ضرورت سیاسی است که حاصل واقعیت تاریخی آن جامعه به اضافه اوضاع سیاسی مشخص کنونی است.

اسماعیل ویسی: مساله فراندوم در کردستان عراق یکی از مسایل داغ سیاسی و اجتماعی است. در همین زمینه چندی پیش در لندن کنفرانسی برگزار شد و شما یکی از سخنرانان اصلی آن کنفرانس بودید. هدف چه بود؟ به چه نتایجی رسیدید؟
فاتح شیخ: به درست اشاره کردید که فراندوم و استقلال در کردستان عراق، بخصوص در ماههای اخیر

جامعه ایران ساده لوحانه چشم می بندد، در عمل نسبت به این سناریو وحشتناک بیطرفی سمپاتیك دارد. واقعیت اما این است که دولت بوش علیرغم بسیج نیرو و امکانات زیاد و به کشت دادن هر روزه سربازان آمریکا در گرداب سناریو سیاهی که خود معمار آن بود، هنوز دورنمای روشنی از "پیروزی" در سیاست تغییر رژیم در عراق را ندارد. این واقعیت موجب شده است که امثال رفسنجانی میداندار بشوند و طرفداران فراندوم برای گذر از دموکراتیزه کردن اسلام سیاسی در ایران به جست و خیز خود ادامه دهند. حقیقت اما این است که معضل جمهوری اسلامی و بحران رابطه سیاسی و اقتصادی این رژیم با غرب از يك طرف و فاکتور نیرومند و تعیین کننده مردم ایران و حضور يك حزب مسئول و واقع بین، احتمال دست بردن به سناریو عراقیزه کردن جامعه ایران را منتفی نکرده است. این خطر را باید جدی گرفت. ■

در باره مباحث نشست اول شورای کادرهای کمیته کردستان حزب حکمتیست

مصاحبه با خالد حاج محمدی صفحه ۳

در صفحات دیگر:

اطلاعیه و گزارش مربوط به مبارزه کارگران شاهو در سنندج

از میان اطلاعیه های کمیته سقز حزب:

محاکمه محسن حکیمی

قتل دکتر "ناصر محرمی" و تحریک

احساسات انتقامجویانه توسط

امام جمعه سقز

رحمان رحمت اللهی جوان مبارز و انقلابی و چهره محبوب مردم نگل در نتیجه يك سانحه تصادف با موتور سیکلت جان باخت

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



جدید و جلدی و حساسی شده است. موقعیت سیاسی امروز عراق، نه فقط حل مساله کرد را ضروری ساخته، بلکه (و من این را در چندین سخنرانی اخیرم گفته ام) علاوه بر ضرورت و مطلوبیت حل این مساله، امکان سیاسی و عملی تحقق آن از راه رفراندوم را هم از هر مقطع گذشته بیشتر کرده است. به نظر من در پیچه ای که با سقوط رژیم بعث، برای حل مساله کرد در عراق باز شده تا این مساله حل نشود بسته نخواهد شد. کم مشقت ترین راه رفراندوم است که احتمال تحقق آن بالاست اما تجدید مشقات و مخاطرات هم، بخصوص با دست بالا پیدا کردن جریانات اسلامی و شوینیسم قومی عربی، احتمال جلدی و خطیری است.

اکنون، از احزاب و جریانات سیاسی کردستان و عراق، تا آمریکا و متحدانش، تا دول منطقه و بویژه دولت‌های همسایه درگیر در مساله کرد، در یک کلام همه آکتورهای دخیل در صحنه سیاست عراق با این مساله و این ضرورت مواجهند و هر کدام، حتی آنها که انکارش میکنند، دارند به نوعی به آن جواب میدهند. عده ای آن را جلو می‌رانند و عده دیگری میکوشند به عقب برش گردانند.

قطب فعالی در تلاش است که این مساله را به سرانجام برساند. و سرانجام یعنی پاسخگویی به این ضرورت سیاسی، یعنی تلاش نه فقط برای تحمیل رفراندوم به آمریکا، دولت عراق و دو حزب حاکم کردستان، بلکه برای قانع کردن اکثریت مردم کردستان به اینکه در رفراندوم به جدایی رای بدهند. از نظر این قطب، این راه حل عادلانه، آزادیخواهانه و چاره ساز

مساله کرد است که طی چندین دهه، با جنگ و کشتار و ویرانی و دریدری، کوهی مشقات تحمل ناپذیر بار آورده و تا امروز هم حل نشده باقی مانده است. در راس این قطب، حزب کمونیست کارگری عراق است که نزدیک به یک دهه برای این هدف تبلیغ کرده و اکنون قاطع و روشن دست در کار یافتن راه‌های سیاسی و عملی تحقق آن و جلب نیروی اجتماعی و توده ای به این راه‌هاست. کنفرانس لندن در دسامبر و کنفرانس هفته قبل در سلیمانیه، از جمله اقدامات تبلیغی و تدارکاتی این قطب بود و توسط "کمپین رفراندوم" برگزار شد که انعکاس وسیعی داشت و نتایج خوبی داد. متأسفانه من در کنفرانس سلیمانیه نبودم، ابتدا قرار بود در نوامبر (زمانی که من در عراق بودم) برگزار شود که عقب افتاد. اما در

کنفرانس لندن حضور داشتم و بر همین نکات بالا تأکید گذاشتم، همچنین بر لزوم یک سازمان توده ای برای متحد کردن و هدایت و به پیروزی رساندن جنبش وسیعی که فی الحال برای رفراندوم و استقلال در کردستان عراق برافه افتاده است. قطب دیگر و البته فعلا قویتر، کلا با راه حل رفراندوم و طبعا استقلال مخالف است: این قطب در کردستان عراق شامل هر دو حزب حاکم و در سطح سراسری احزاب و جریانات قومی و اسلامی شریک در "حکومت موقت" است که این روزها درگیر کمپین "انتخابات" برای "مشروعیت" دادن به بساط فوق ارتجاعی حکومتشان و سرکوشان هستند.

در این میان نیروهای متفرقی، متعلق به جنبش ملی کرد، در داخل و خارج کردستان هم برای رفراندوم (و حتی جدایی کردستان) تلاش کرده اند و رقم بالایی (بیش از یک میلیون و هفتصد هزار) امضا جمع کرده اند و اخیراً Cd آنها را به معاون دبیرکل سازمان ملل در نیویورک و کمیسیون حقوق بشر آن سازمان در ژنو تحویل داده اند. اما عملکرد این نیروها، از جمله رفتنشان پشت مضحکه نفرت آور "انتخاباتی" که بی بروبرگرد با هرگونه رفراندوم و حق مردم کردستان در تعیین آینده سیاسی شان متناقض است، داد میزند که هدف حرکتشان تقویت موقعیت احزاب حاکم کردستان در چانه زنی و معامله با نیروهای شریک در "دولت مرکزی" از بالای سر مردم کردستان بر سر سهم بیشتر قدرت در یک ترتیبات فدرالی می‌خواهند، نه حقیقتاً رفراندوم و جدایی.

اسماعیل ویسی: شما در پلنوم ۱۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق بعنوان رئیس هیات حزب حکمتیست شرکت کردید و مساله رفراندوم هم در آنجا بررسی شد: روی چه طرح مشخصی برای جلو راندن رفراندوم بحث و تصمیم گیری شد؟

فاتح شیخ: طرح مشخصی در این زمینه در پلنوم ۱۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق و جلسات دفتر سیاسی قبل و بعد پلنوم (که من هم شانس شرکت در آنها را یافتم) بررسی شد. طرح راه اندازی یک سازمان سیاسی توده ای با عنوان "کنگره رفراندوم و استقلال کردستان". این در کنار طرح سازمان دیگری در سطح عراق با هدف آزادی عراق از اشغال و اعاده مدنیت به آن، دو بحث اصلی و مهم پلنوم و دفتر سیاسی بودند و حزب ما در عراق هم اکنون در

کار اجرای آنهاست.

تا آنجا که به طرح سازمانی برای تحقق رفراندوم و استقلال کردستان بر میگردد، ابتکار ایجاد آن از حزب کمونیست کارگری عراق است اما این سازمان به دنبال یک دوره راه اندازی، به ساختار خودش متکی خواهد شد و رهبری آن منتخب تجمعات خودش خواهد بود. کار و فعالیت سازمان، متحد کردن و هدایت توده های هرچه وسیعتر مردم در کردستان عراق در یک مبارزه همه جانبه توده ای برای متحقق کردن استقلال کردستان از مجرای یک رفراندوم آزاد در مناطق کردشین عراق است. هدف، تشکیل یک دولت مستقل غیرقومی و غیرمذهبی در این منطقه است. راه‌های رسیدن به این هدف هم، چه در کردستان و چه در خارج، در خطوط کلی بررسی شد. کارهای مقدماتی ایجاد این سازمان که بعد از پلنوم شروع شد، با موفقیت جلو رفته است و انتظار میرود که همین روزها موجودیت آن اعلام شود.

اسماعیل ویسی: دورنمای این مساله رفراندوم را چگونه می‌بینید؟ مهمترین مشکلات و موانع سر راه عملی شدنش چیست؟

فاتح شیخ: رفراندوم دورنمای روشنی دارد، تحقق آن البته مثل هر هدف سیاسی دیگری در گرو پراتیک فردی و جمعی انسانهایی است که به کارساز بودن آن معتقدند و برایش نیرو و مایه کافی می‌گذارند. روشن بودن دورنمای رفراندوم در کردستان عراق فقط مربوط به حقانیت و عادلانه و آزادیخواهانه بودنش نیست، اینها البته کمک زیادی در جلب نیروی انسانهای شریف و آزادیخواه به راه حل رفراندوم کرده اند و خواهند کرد. خصلت اصلی رفراندوم یعنی مراجعه به رای خود مردم ستمدیده از مساله ملی و آسیب دیده از مشقات آن، از زاویه انسانی دست بردن به رگ و ریشه معضل است و از زاویه سیاسی هم متضمن جلوگیری از بندوبست احزاب ناسیونالیست با حکومت مرکزی از بالای سر مردم است و در عین حال بدیل روشنی در قبال طرح‌های بینابینی خودمختاری و فدرالیسم و غیره است که کارکردها ابدی کردن شکاف و تفرقه میان انسانهاست.

دورنمای روشن رفراندوم در کردستان عراق در این مقطع، علاوه بر خصوصیات که اشاره شد، به این واقعیت سیاسی برمیگردد که راه‌های سنتی که توسط دولت‌های شوینیست قومی عربی عراق و احزاب ناسیونالیست کرد جلو این معضل گذاشته میشد همگی به بن بست

رسیده اند. بن بست خودمختاری و فدرالیسم از سویی و بن بست الحاق اجباری از سوی دیگر جزو مشخصات سیاسی عراق امروز در ارتباط با مساله کرد است. حاصل این دو بن بست، ادامه آویزان بودن سرنوشت سیاسی مردم کردستان عراق نیست؛ راه سومی در سیاست کردستان عراق موجود است: استقلال از مجرای رفراندوم! در برابر بن بست طرح‌های شوینیستی و ارتجاعی، رفراندوم و استقلال یک راه حل واقعی و یک ضرورت سیاسی است که مردم کردستان عراق به درجه قابل توجهی با آن آشنا شده اند. مردم کردستان عراق ۱۴ سال بطور دوفاکتو از عراق جدا بوده اند، اکنون در یک بندوبست ضد مردمی رذیلاته، میان جریانات اسلامی و شوینیست عرب و احزاب حاکم در کردستان قرار است الحاق اجباری کشانده شوند، بی آنکه در این مورد از آنها سوالی شده باشد! به این دلایل، هم اکنون جنبش وسیعی در کردستان عراق به هواداری از رفراندوم برافه افتاده است که دو حزب حاکم و طرفدارانشان در "جنبش رفراندوم" میکوشند آن را به بیراهه بکشند و در خدمت بندوبست دیگری با ترتیبات مرکزی بعد از "انتخابات"

بگذارند. این تلاش و توطئه اما از هم اکنون روشن است که به جایی نمیرسد. در عوض جنبش وسیع مردمی برای رفراندوم و استقلال با برخورداری از خط و هدف روشن سیاسی و اتحاد صفوف خود و داشتن یک رهبری شناخته شده و یک حمایت افکار عمومی جهان متملن و آزادیخواه، که جملگی با تلاش و پیگیری کافی دست یافتنی هستند، میتواند گسترش یابد و به پیروزی برسد. مهمترین موانع، جریانات اسلامی و شوینیست قومی عربی شریک در "دولت موقت" و همچنین احزاب حاکم در کردستان است که برای مردم سیاسی و آگاه و آزادیخواه کردستان به درجه زیادی شناخته شده هستند.

اما هنوز برای پیشبرد این امر چه در کردستان عراق و چه در خارج، یعنی عملا در کشورهای غربی، کارهای زیادی باید کرد. این یکی از مصافهایی است که حزب کمونیست کارگری عراق درگیر آنهاست. و روشن است که حزب حکمتیست در این مصاف هم مانند همه مصاف‌های دیگر، با تمام توان در کنار حزب کمونیست کارگری عراق ایستاده است. ■

رحمان رحمت الهی چهره محبوب و از مبارزین انقلابی روستای نگل جان باخت

از کسانی که در سنندج او را میشناختند دفن میشود. جمعیت زیادی در تشییع جنازه رحمان رحمت الهی شرکت داشتند.

مرگ ناهنگام این جوان انقلابی را به خانواده محترم او، به دوستان و بستگان و مردم نگل و کسانی که از دور و نزدیک او را میشناختند، صمیمانه تسلیت میگوئیم.

نسان نودینان سردار نگلی

۱۸ ژانویه ۲۰۰۵
اکتبر ضایعه مرگ رحمان رحمت الهی را تسلیت میگوئید و خود را در این غم و اندوه سنگین، با خانواده و تمامی دوستان و بستگان سهیم میدانید.

رفیق رحمان رحمت الهی متولد سال ۱۳۵۷ روز ۲۷ آذر در اثر تصادف موتورسیکلت در نگل مجروح میشود و در بیمارستانهای تهران، تبریز و سنندج مورد معالجه قرار میگیرد. از طرف خانواده اش تلاشهای زیادی برای نجات جان رحمان عزیز انجام میشود، اما این تلاشها با ناکامی روبرو میشود. متأسفانه در تاریخ ۲۸ دی ماه در مسیر جاده حسین آباد به سنندج برای انتقال او به نگل جانش را از دست میدهد و برای همیشه ما و دوستان و مردمی را که به شدیداً علاقمند بودند تنها میگذارد.

رحمان روز ۲۸ دی ماه در روستای نگل در میان جمعیت زیادی از مردم این روستا و روستاهای اطراف و تعداد زیادی

در باره مباحثات نشست اول
شورای کادرهای کمیته
کردستان حزب



مصاحبه اسماعیل ویسی با خالد حاج محمدی

اسماعیل ویسی: شما مسؤول تشکیلات شهرها در کمیته کردستان هستید. سیاست عمومی کار ما در شهرها چیست و نقشه تشکیلات شهرها کدام است و اولویتهای این دوره تشکیلات کدامند؟

خالد حاج محمدی: چنانچه در نشست شورای کادرها نیز اشاره کردم کمیته کردستان میکوشد بر مبنای برنامه اعلام شده خود و بر مبنای نقشه مرحله بندی شده خود، در این دوره در کردستان به حزبی قدرتمند و با نفوذ تبدیل شود. حزبی که یک نیروی قوی همراه خود دارد و میتواند نیرو جا بجا کند. حزب ما در کردستان و در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی میکوشد به جریانی تبدیل شود که نه مردم به رژیم اسلامی را نمایندگی کند. به نیروی تبدل شود که مردم برای راهی و برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی انتخابش کنند و دور حزب متشکل شوند. تشکیلات شهرهای ما در این راستا و برای تبدیل به چنین حزبی باید برای خود نقشه داشته باشد. باید معلوم باشد تشکیلات شهرهای ما در جهت نقشه عمومی ما در کردستان کجا قرار میگيرد و به سهم خود چه جهتی را اتخاذ و چه اقداماتی را پیش خواهد برد. آنچه مسلم است کمونیسم در کردستان جریانی اجتماعی و معتبر است و حزب ما چپ و رادیکالیسم و جنبش برابری طلبی را در این جامعه نمایندگی میکند. اما با تمام اینها، محبوب بودن و معتبر بودن هنوز تا تبدیل به تشکیلاتی قدرتمند که نیروی فعاله این رادیکالیسم در جامعه را در حزش جمع کرده باشد فاصله دارد. تلاش ما در این دور این است که حزب را در شهرها به ظرف مبارزه چپ و رادیکالیسم و رهبران فعالین معتبر و با نفوذ مبارزات آزادیخواهانه مردم تبدیل کنیم. ما میخواهیم در کردستان تبدیل به نیروی شویم که چنان نیرومند، چنان معتبر و چنان قوی باشیم که بتوانیم رفتن و بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی را تضمین کنیم. این قوی بودن و قدرتمند بودن در عین حال باید معنی تشکیلاتی نیز پیدا کند.

توده‌ای میکنید؟

خالد حاجی محمدی:

سیاست سازماندهی ما عوض نشده است، سازماندهی ما در شهرها و هر جا جمهوری اسلامی حاکمیت دارد به دلایل امنیتی کماکان منفصل است. فعالین حزب در شهرها در يك تشکیلات هرمی که کمیته‌ای در راس آن باشد و کار حزب را این کمیته در محل هدایت کند کار نمی‌کنند یا ما در این شرایط و از سالهای قبل چنین کار نکرده‌ایم و هنوز هم پای آن نخواهیم رفت. فعالین حزب در شهرها مستقیمان به ما وصل هستند و از اینجا کار رفقای داخل هدایت میشود نه در محل. این امر البته انتخاب ما نیست و خود شرایط پلیسی ما را جبراً به این سیاست وادار کرده است. البته این امر با توده‌ای شدن و سازمان دادن حزب در داخل منافاتی ندارد. الان مبارزات مردم در عرصه‌های مختلف از مبارزه زنان، جوانان، کارگران و سایر اقشار مردم روزانه در جریان است. این مبارزات رهبران و فعالین خود را دارند. انواع شبکه‌های مبارزاتی در عرصه‌های مختلف شکل گرفته است و این شبکه‌ها در سطحی وسیع شهر به شهر و به درجه‌ای در ابعاد فرا منطقهای به هم وصل هستند، با هم در ارتباط هستند و روی مسایل مختلف با هم تبادل نظر میکنند. تلاش ما این است که به این شبکه‌ها وسعت دهیم و در جهتی که این شبکه‌ها و محافل مختلف به مبارزات مردم میدهند نقش ایفا کنیم. مهم این است راس این شبکه‌ها با ما همجهت باشند. مهم این است سیاستی رادیکال در این شبکه‌ها نمایندگی شود. تا مین این امر از طریق نقشی که فعالین کمونیست در این شبکه‌ها و محافل ایفا میکنند ممکن است. چنانچه گفتم تلاش ما این است راس این شبکه‌ها را با خود هم جهت کنیم و به خود نزدیک کنیم و از این طریق در هر اعتراض و مبارزهای در کارخانه یا دانشگاه یا در میان زنان یا مردم يك محله نقش ایفا کنیم و در هدایت و به پیروزی رساند این مبارزات اثر بگذاریم. بهر حال امر مسلم اینکه فعالین این شبکه‌ها و رهبران مبارزات مردم در عرصه‌های مختلف افرادی علنی و حقوقی میباشد. از نظر من به هر میزان این رهبران بیشتر به مردم معرفی و در جامعه شناخته شده‌تر باشند به همین

میزان نیز امنیت آنان محفوظ است. حزب ما به هر میزان توانسته باشد این طیف از فعالین رادیکال و معتبر و دخیل در مبارزات مردم را به خود نزدیک کرده باشد و حزبی کرده باشد، به همین میزان هم خود حزب توده‌ای شده است. بی‌شک به همان میزان که معرفی این فعالین به جامعه مهم است به همان میزان نیز مخفی ماندن رابطه آنان با حزب مهم و در حفظ امنیت آنان حیاتی است.

اسماعیل ویسی:

اشاره به "تلفیق کار مخفی علنی" کردید، لطفاً در این رابطه توضیحات بیشتری بدهید، چگونه؟ و ضمناً اشاره به نقش محوری فعالین کمونیست و شبکه‌های مبارزاتی داشتید، فاکتور اصلی در پیشبر سیاستهای حزب و پیشرفت کار حزب چیست؟

خالد حاج محمدی:

حزب ما کاملاً مخفی است و این را همه میدانیم. این امر قبل از هر چیز داده شرایط پلیسی حاکم بر جامع است و به ما تحمیل شده و تا زمانی که جمهوری اسلامی توان سر کوب دارد ما نیز مجبوریم این مخفی بودن فعالیت حزبی را با خود یدک بکشیم. بی‌شک اگر شرایط پلیسی نبود در هر شهری دفاتر خود را فوری باز میکردیم و به وسیعترین فعالیت آگاهگرانه میپرداختیم. گفتم ما حزبی مخفی هستیم ولی مبارزات مردم دیگر مخفی نیست. کارگر برای افزایش دستمزد، برای پرداخت حقوق معوقه، برای کم کردن ساعت کار یا حق تشکل و اعتصاب و سایر مطالبات خود روزانه اعتصاب میکند. زنان علیه آپارتاید جنسی حاکم و انواع اجحافات که بر آنان تحمیل میشود روزانه اعتراض میکنند، تلاش میکنند به هر میزان توازن قوا اجزاء دهد آنان نیز خود را متشکل کنند. یا جوانا، معلمان، دانشجو و پرستار و ... هر روز برای به کرسی نشانیدن خواستهای خود اعتراض میکنند. این اعتراضات و مبارزات مردم و تلاش برای به سرانجام رساندن موفقیت آمیز آنان دیگر امر ماست. تا مین رهبری رادیکال بر این مبارزات که منافع کارگر، زن، جوان و اقشار مختلف مردم را در عرصه‌های مختلف مبارزه آنان علیه جمهوری اسلامی نمایندگی کند و به سرانجام رساند بر دوش ماست. رهبری این مبارزات بر دوش فعالین ما در شهرهاست و جذب و حزبی کردن فعالین و رهبران

رادیکال و برابری طلب در این مبارزات باز وظیفه دانشی ماست. ضامن موفقیت همین مبارزات روزانه مردم باز در گرو داشتن رهبری رادیکال است و این بر دوش ماست. تشکیلات ما در دل همین مبارزات و با دادن افق روش به اعتراض کارگر و توده ستمدیده مردم امکان توده‌ای شدن و بسیج نیرو و قدرت شدن و رهبری مبارزه برای کنار گذاشتن جمهوری اسلامی را پیدا میکنند. بهر حال دخالت در این مبارزات و رهبری آن امری علنی است و آدهای معینی باید با اسم و رسم خود در این کالیبر ظاهر شوند. فعال حزبی ما باید امروز به اسم و رسم خود در جلو این مبارزات و به عنوان سخنگو و نماینده مردم بلندگو در دست و هدایت اعتصاب و اعتراضی را پیش میبرد و در عین حال رابطهاش با حزب و حضورش در جلسات حزبی خود امری کاملاً محرمان و مخفی است. در جواب به بخش دوم سوال شما باید بگویم فاکتور اصلی در پیشرفت کار و نقشه ما، همجهت بودن فعالین اصلی این عرصه‌ها و توافق داشتن با هم بر روی جهتی که داریم و هدفی که برای خود گذاشته‌ایم و اقداماتی که برای رسیدن به این هدف در دستور خود گذاشته‌ایم میباشد. اگر غیر از این باشد موفقیت ما غیر ممکن است. لابد هر رفیقی برای خود هدفی را گذاشته و برای رسیدن به این هدف هم کارهای مثبتی انجام میدهد. اما این دیگر کار کردن به عنوان يك حزب که در يك روز میتواند دستور اعتصاب دهد یا در يك روز و برای اجرای نقشه‌ای بخواند هزاران نفر را به خیابان بیارد و با قدرت ظاهر شود نیست. ما حزب را ساختیم تا ابزاری در دست ما برای پیشبرد نقشه‌ای معین و سرانجام گرفتن قدرت باشد. باید انرژیها را در يك جهت بکار انداخت و همدل و همنظر برای اجرای برنامه‌های خود تلاش کرد و این بدون ارتباط زنده و تبادل نظر و همجهت و هم نقشه شدن ممکن نیست. میخواهیم از این قسمت نتیجه بگیریم که فعالین و رفقای ما در سطوح مختلف باید تلاش کنیم روی اهداف خود به توافق برسیم، روی نقشه و جهت فعالیت خود به توافق برسیم و قدم به قدم با هم در يك جهت تلاش کنیم، اولویتهایمان را یکی کنیم و انرژیهایمان را در جهت اجرای نقشه مشترکمان بکار اندازیم. □

کارخانه شاهو سندج بسته شد!

کارفرما و اداره کار در یک هماهنگی با همدیگر کارگران را به مرخصی اجباری یک ماهه بدون حقوق فرستادند.

به دنبال اعتراض روز ۵ شنبه ۲۴ دیماه کارگران کارخانه شاهو به عدم پرداخت حقوقهای معوقه شان، کارخانه بسته شد. کارفرما به این بهانه که کارخانه فاقد سوخت و مواد

کارگران در ۳ قسط شد. کارگران میگویند، بستن کارخانه به بهانه نبود مواد اولیه بهانه ای پوچ و بی اساس و صرفاً جهت خاموش کردن اعتراض آنان است. چرا که مواد اولیه کارخانه به تازگی از ترکیه سفارش داده شده و در کارخانه انبار شده است. کمیته سندج حزب کمونیست کارگری ایران توطئه مشترک کارفرما و اداره کار را برای بستن کارخانه و

سفر همزمان محاکمه شوند. روز شنبه هنگامی که فعالین اول مه سقز به دادگاه مراجعه کردند، مسئول پرونده آنان به بهانه اینکه به سندج خواهد رفت دادگاهی جمعی آنان را منتفی اعلام کرد.

روز شنبه برهان دیوارگر و محمود صالحی که در دادگاه آماده بودند، خواهان بازپس گرفتن وسایل به غارت برده خود هنگام یورش مزدوران اطلاعات به منازل خود شدند. آنها همچنین خواهان نامه رسمی دادگاه برای پس گرفتن اموال خود میشوند. طبق اطلاع دادگاه با درخواست آنان موافقت میکنند. همان روز برهان دیوارگر و محمود صالحی همراه محمدعبیدی پور به مرکز اطلاعات سقز مراجعه و ضمن تحویل حکم دادگاه، درخواست وسایل ربهوده شده خود را میکنند. مسئولین اطلاعات میگویند بعداً با آنها در این خصوص تماس خواهند گرفت.

دکتر ناصر محرمی در سقز به قتل رسید!

روز سهشنبه ۲۲ دیماه ۱۳۸۳ دکتر ناصر محرمی دکتر بیمارستان خمینی و تامين اجتماعي سقز، در نزديك شركت "سايبا يدك" نزديك پاسگاه صالح آباد در مسير جاده سقز- بوکان، با ضربات چاقو به قتل رسيد و بدنال جسدش را سوزانده اند. طبق اطلاع ناصر محرمی برای خرید ماشين همراه دو نفر که گویا صافکار بوده اند به این محل میروند و بعد از آن و در این جریان به قتل میرسد. گویا دو نفر به جرم قتل دکتر محرمی بعد از ۲ روز دستگیر و در حال حاضر در زندان سقز میباشند. طبق خبری که به ما رسیده بدنال این ماجرا امام جمعه مرتجع شهر سقز ملا قادر زاهدی، در نماز جمعه خواهان اعدام فوری

از میان اطلاعیه های کمیته سقز

*** محسن حکیمی محاکمه شد!**
*** محاکمه جمعی کارگران صورت نگرفت!**
*** دستگیر شدگان خواهان پس گرفتن اموال ربهوده شده خود شدند**

روز یکشنبه ۲۷ دیماه ۱۳۸۳ (۱۶ ژانویه ۲۰۰۵) ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح، محسن حکیمی از دستگیرشدگان اول مه سقز با حضور رئیس دادگاه و وکیل مدافع خود محاکمه شد. جرایم محسن حکیمی چون بقیه محاکمات تانکونی، مراسم غیر قانونی و رابطه با احزاب چپ اعلام شد.

قرار بود محاکمه دستگیرشدگان اول مه سقز علنی برگزار شود اما عوامل رژیم در دادگاه سقز هر بار به بهانه ای از این کار خودداری کرده اند. تاریخ بعدی محاکمه محسن حکیمی اعلام نشد.

در عین حال قرار بود روز شنبه ۲۶ دیماه تمام دستگیرشدگان اول مه

بیکار کردن کارگران محکوم میکند و کارگران شاهو را به مبارزه برای بازگشایی کارخانه و احقاق حقوق خود فرا میخواند.

کمیته سندج حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیست

۲۸ دی ماه ۸۳
۱۷ ژانویه ۲۰۰۵

صاحبان کارخانه شاهو ورشکستگی شان را بر دوش کارگران انداخته اند.

مجید غفوری فرد - سندج

نیست وبه صورت مقطعی و کوتاه مدت کار می کند. شرکت آتیه دماوند وابسته به دولت برای فروش کارخانه های ورشکسته، نمایندگی کارخانه را به عهده گرفته و مسئول آن شخصی است به اسم رضوانی. این شرکت از چند ماه پیش کارخانه را به صورت مزایده به ۳ نفر واگذار کرده ولی هنوز ثبت قانونی نشده است.

برای تولید فعلی مواد اولیه آن از طرف شخصی به نام معین مسئول پخش آکرولیک (نیمه مصنوعی نیمه پشمی) فرستاده می شود و گویا قرار است با شروع کار این ۳ نفر، کارخانه از زیر نظر شرکت آتیه و شخص معین بیرون بیاید. از ۱۷۰ نفر کارگر کنونی شاهو حدود ۵۰ نفر از آنها به علت سابقه کار طولانی رسمی هستند و بقیه به صورت قراردادی (۳ ماهه) کار می کنند که اخیراً به یک ماه کاهش یافته است. کارگران قسمت رنگرزی که حدود ۱۳ نفر میباشند، مبتلا به آسم و سرطان و دیسک کمر هستند و تقریباً تماماً از کار افتاده و از پای درآمده اند. کارگران محصول را به صورت روز مزدی تولید می کنند. کارگران شاهو از روز ۵ شنبه

کارخانه شاهو در سال ۱۳۵۷ تاسیس شد و در سال ۱۳۶۲ حدود ۴۰۰ نفر کارگر در آنجا مشغول به کار بودند ولی در این چند سال اخیر با تعدیل نیرو و اخراج کارگران مواجه شده و ۱۷۰ کارگر دارد. کارخانه در اوایل وابسته به بانک صنعت و معدن بود ولی فعلاً در بخش خصوصی قرار دارد و کارگران در شرایط بسیار وحشتناک و فلاکتبار مالی به سر می برند. با وجود فشار کار زیاد بر کرده کارگران از آنجا که صاحبان کارخانه فقط در فکر سودجویی و پر کردن جیب خودشان هستند، همیشه سایه ورشکستگی بر بالای سر کارخانه میچرخد.

کارخانه شاهو فاقد هرگونه امکانات بهداشتی و ایمنی محیط کار است. بیشتر کارگران به سرطان و بیماریهای حاد مبتلا هستند. ۴ نفر از این کارگران به نامهای ۱- عباس صفری ۲- صدیق ذوالفقاری ۳- حسین کاظمی ۴- سیف الله فریدون پور به علت همین مسائل از کار افتاده شده و از پای درآمده اند و حق سنوات آنها به ازای یک سال دو ماه میباشند.

قبل کارگران یک وعده غذا و شیر داشتند اما مدتی است این هم قطع شده است. مدتهاست این کارخانه دست به دست میشود و هنوز هم وضعیت تملک کارخانه به درستی مشخص

شماره اول "حکمت"، نشریه ای تئوریک سیاسی از حزب کمونیست کارگری ایران حکمیست منتشر شده است



گذشته دست از کار کشیده و اعتصاب آنها تا حالا ادامه دارد. خواستهای کارگران عبارتند از: - پرداخت حقوق عمه عقب افتاده کارگران - یک وعده غذا و شیر به صورت روزانه و مرتب به کارگران - به رسمیت شناختن حق مرخصی و حق اولاد و مسکن کارگران - بازنشسته کردن کارگرانی که موعده آنها فرا رسیده ولی چند ماه است به تاخیر انداخته اند. همه کارگران و بخصوص کارگران نساجی کردستان که تازه اعتصاب موفق داشتند، باید به کمک کارگران شاهو بیایند. کارفرما و دولت موظفند شرایط این کارخانه را که کارگران در آن مرگ تدریجی را میگذرانند تغییر دهند. کارگران شاهو بیش از این نباید قربانی این شرایط غیرانسانی شوند.

مجید غفوری فرد ۲۷ دی ۸۳

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیست

دبیر کمیته: حسین مرادیگی

h_moradbeigi@yahoo.com

Tel: 00447960233954